



تفسیر انضمامی و ملموس ملاصدرا؛ حلقه واسطی میان قرآن و دنیای معاصر

استاد دانشگاه کارلتون کانادا ملاصدرا را نقطه کلیدی ارتباط قرآن با دنیای امروزی دانست و اظهار کرد: وی کلام، فقه، فلسفه و عرفان را با هم درآمیخته و توانسته است به واسطه آن، تفسیری انضمامی و ملموس از قرآن به دست دهد.

استاد دانشگاه کارلتون کانادا ملاصدرا را نقطه کلیدی ارتباط قرآن با دنیای امروزی دانست و اظهار کرد: وی کلام، فقه، فلسفه و عرفان را با هم درآمیخته و توانسته است به واسطه آن، تفسیری انضمامی و ملموس از قرآن به دست دهد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، محمد روستوم، استاد دانشگاه کارلتون کانادا، امروز، یکشنبه 20 بهمن‌ماه، در نشست علمی «هرمنوتیک متن ملاصدرا به مثابه مدل مواجهه امروزی با قرآن» که مرکز پژوهشی مطالعات اسلام معاصروابسته به مجتمع تهران جامعه المصطفی برگزار کرده بود، به سخنرانی پرداخت. در ابتدای این جلسه، سیدامیرحسین اصغری، رئیس مرکز مالعات تطبیقی اسلام معاصر در معرفی محمد روستوم، اظهار کرد: محمد روستوم در حوزه مطالعات اسلامی و فلسفه اسلامی و همچنین فلسفه اسلامی دارای تخصص است. وی صاحب کتاب «در جستجوی عقل گمشده» است. این اثر از شهرت جهانی برخوردار است. وی ادامه داد: مؤلف اصلی این کتاب، ویلیام چیتیک است که محمد روستوم ویراستاری آن را بر عهده داشته است. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات ویلیام چیتیک است که درباره عرفان و چگونگی ارتباط آن با دنیای معاصر و استفاده آن در دنیای معاصر است، صحبت می‌شود که به کوشش روستوم جمع‌آوری شده است.

روستوم؛ برنده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران رئیس مرکز مالعات تطبیقی اسلام معاصر در پایان گفت: کتاب «غلبه رحمت» کتاب دیگری از وی است که برنده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی در سال 1392 شده است. در این کتاب، مواجهه ملاصدرا با قرآن به عنوان یک مفسر و فیلسوف اسلامی بررسی شده است. در این کتاب بررسی شده که یک فیلسوف چگونه وارد مباحث عرفانی شده است و در رویکرد معاصر و امروزی با قرآن چگونه می‌توان از تفاسیر ملاصدرا استفاده کرد.

نقد سنت آکادمیک غرب از نگاه استاد کانادایی محمد روستوم با نقل قول از یک عارف با این مضمون که «ما از یک قدر به قدری دیگر در حرکتیم»، بیان کرد: امید است که در قدر دیگر نیز از در رحمت الهی وارد شویم. در غرب چیزی که به سنت دانشگاهی موسوم است، این است که فرد برای دیده شدن باید دارای اثر باشد و فردی که اثری ندارد، زنده نیست یا به تعبیری می‌شود گفت که «بنویس یا بمیر». وی ادامه داد: این رویکرد مخالف نگاه سنتی است که می‌گوید «اول در حق فنا شو و نابود شو تا بتوانی بقا بیابی و جاودان شوی». بسیاری از متفکران و راه یافتگان به حقیقت حتی یک خط هم متن مکتوب ندارند و این در حالی است که برخی از نادانان معاصر بیش از همه صاحب اثر و کتاب هستند. نوشتن متن مسئله‌ای بود که فشارش بر دوش من نیز وارد می‌شد.

ضعف تحقیقات غربی

وی افزود: در سنت غربی آکادمیک، مطالعات تحقیقی به زبان عربی مرسوم نیست و کسی این فعل را صرف نمی‌کند و همه به مطالعات منابع دسته دوم می‌پردازند. در مطالعات منابع دسته دوم چنین مطرح می‌شود که علما و عقلای اسلامی از کنار قرآن رد می‌شوند و دوست ندارند در تحقیقات خود قرآن را دخیل کنند. به بیان دیگر، چنین تصور می‌شود که عقل برای خاصان جامعه و عقلا است و وحی برای عوام‌الناس است.

روستوم تصریح کرد: با تأمل در آثار ویلیام چیتیک و هانری کربن متوجه خواهیم شد که فیلسوفان با درک و دریافتی عمیق به قرآن نزدیک می‌شدند و می‌بینیم که منابع دسته دوم با پیش‌فرض‌های ناصواب به قرآن نزدیک می‌شوند. یکی از این پیش‌فرض‌ها این است که عقل با وحی در تقابل قرار دارند.

زکریای رازی و مواجهه او با وحی

وی با اشاره به این پیش‌فرض‌ها گفت: یکی از مسائلی که بهت محقق را به همراه خواهد داشت، تأمل در زکریای رازی است. غربیان ادعا کرده‌اند که وحی را بی‌اساس می‌دانسته و به پیامبر اسلام (ص) نسبت کذاب می‌داده است و بر این اساس به طرح این ادعا پرداخته‌اند که وحی از آن‌جا که دانشمند بوده، به مسائل وحیانی به عنوان امری خرافی می‌نگریسته است. این در حالی است که این نسبت به زکریای رازی تهمتی بوده که از طرف ابوحاتم رازی که فردی اسماعیلی و از مخالفین زکریا بوده، پراکنده شده و در جامعه رواج یافته است.

وی عنوان کرد: تحقیقات نشان می‌دهد که زکریای رازی در آثار پزشکی تا آثار اخلاقی و فلسفی‌اش، احترام زیادی را برای پیامبر اسلام(ص)، قرآن و امور وحیانی قائل می‌شده است. آن چیزی که منابع دسته دوم به آن توجه دارند، غنای لازم را ندارد، ولی در آثار اخوان‌الصفا و فارابی و دانشمندانی این‌چنینی می‌بینیم که آنها به صورت غیرمستقیم از قرآن در بیان خود استفاده می‌کنند.

فلاسفه اسلامی و قرآن

این استاد دانشگاه کارلتون کانادا، در رابطه با ابن‌سینا، گفت: یکی از افرادی که پایه‌های علاقه‌ای شدیدی بر قرآن در وجود خویش به عنوان یک امر ذاتی و نه به عنوان مسئله‌ای ریاکارانه داشته است، ابن‌سینا بود که نه تنها بر برخی از آیات قرآن، مانند آیه‌ای از سوره نور، بلکه بر سوره‌هایی از قرآن مانند سوره اخلاص و فلق نیز تفسیر نوشته است. وی با اشاره به این‌که ابن‌سینا خود مبنای تفسیری دوران بعدی فیلسوفان قرار گرفته است، اظهار کرد: افرادی مانند ملاصدرا در کشف‌های عقلی خود فهمیدند که گرچه قرآن دارای بیان سمبلیک است، ولی خود این مسائل سمبلیک نیز در جهت رفع ابهام بین عقل و شرع کاربرد دارد.

وی گفت: ملاصدرا نقطه کلیدی ارتباط قرآن با دنیای امروزی است. وی کلام شیعی و سنی، فقه، فلسفه و عرفان را با هم درآمیخته است و به واسطه آن توانسته تفسیری انضمامی و ملموس از قرآن به دست دهد. این روش خاص ملاصدرا یک روش عقلی بالغ و کاملی را به وجود آورده که آثار زندگی معنوی امروز به آن مدیون است.

روستوم در پایان گفت: ملاصدرا می‌کوشد تا منظر فلسفی و وحیانی را دو روی یک سکه بداند و معرفی کند و تفسیر خود را به این نحو سامان داده است. ملاصدرا می‌کوشد، منظر فلسفی خود را با متن منصوص قرآن نزدیک کند و به وسیله آن به انسان امروزی نزدیک شود. وقتی که او با منظر فلسفی به قرآن نزدیک می‌شود، خود نگاه فلسفی‌اش را تلطیف می‌کند و این برای مواجهه امروزی ما مهم است که صرفاً با نگاه فلسفی به سراغ متون نرویم.